
در سوسیالیزم بین المللی، جریان هائی که از کائوتسکی دست راست ترند جریان هائی هستند نظیر «ماهنامه ی سوسیالیستی» در آلمان (لژین، داوید، کولب و بسیاری دیگر و از آن جمله دو تن اسکاندیناوی به نام استانونینگ و برانتینگ) ژورسیست ها و واندارولد در فرانسه و بلژیک، توراتی، تره وس و نمایندگان دیگر جناح راست حزب ایتالیا، فابین ها و «مستقل ها» («حزب مستقل کارگر» که در حقیقت همیشه وابسته به لیبرال ها است) در انگلستان و مانند آن ها. همه ی این حضرات که در امور پارلمانی و پوبلیسیستی حزب نقش عظیم و چه بسا نقش قاطعی ایفا می نمایند، دیکتاتوری پرولتاریا را علناً نفی می کنند و اپورتونیزم بی پرده ای را عملی می نمایند. در نظر این حضرات «دیکتاتوری» پرولتاریا با دموکراسی «متضاد است»!! اینان در ماهیت امر هیچ گونه فرق جدی با دموکرات های خرده بورژوا ندارند.

با در نظر گرفتن این کیفیت ما حق داریم این نتیجه را بگیریم که اکثریت قاطع نمایندگان رسمی انترناسیونال دوم کاملاً به سراشیب اپورتونیزم در غلطیده اند. تجربه ی کمون نه تنها فراموش شده بود بلکه مورد تحریف قرار می گرفت. به توده های کارگر نه تنها تلقین نمی شد که لحظه ای که آن ها باید به پا خیزند و ماشین دولتی کهنه را خورد کنند و ماشین نوینی را جایگزین آن سازند و بدین طریق سیادت سیاسی خود را به پایگاهی برای تحول سوسیالیستی جامعه بدل بنمایند نزدیک شده است. بلکه به توده ها عکس آن

تلقین می گردید و «به کف آوردن قدرت» طوری وانمود می گشت که هزاران رخنه برای اپورتونیزم در آن باقی می ماند.

تحریف و سکوت در مسأله ی روش انقلاب پرولتاری نسبت به دولت در هنگامی که دولت ها با دستگاه جنگی خود، که به علت رقابت امپریالیستی تقویت یافته است، به هیولای جنگی مبدل شده اند و این هیولا میلیون ها تن را به خاک هلاک می افکند تا این مشاجره حل شود که آیا انگلستان یا آلمان- فلان یا بهمان سرمایه ی مالی بر جهان حکمرانی کند- نمی توانست نقش عظیمی را بازی نکند.*

پس گفتار برای چاپ یکم

این رساله در اوت و سپتامبر سال ۱۹۱۷ نوشته شده است. من طرح نگارش فصل بعدی یعنی فصل هفتم:- «تجربه های انقلاب های ۱۹۰۵ و ۱۹۱۷ روس» را تهیه کرده بودم. ولی به جز عنوان، موفق به نوشتن یک سطر از این فصل هم نشدم؛ بحران سیاسی و فرا رسیدن انقلاب اکتبر ۱۹۱۷ «مانع گردید». از چنین «مانعی» فقط می توان شاد شد. ولی نگارش قسمت

* - سپس در نسخه ی خطی چنین می آید:

«فصل هفتم» تجربه انقلاب های ۱۹۰۵ و ۱۹۱۷ روس

مبحثی که در عنوان این فصل بدان اشاره شده دارای چنان دامنه بی کرانه است که درباره ی آن می توان و باید کتاب ها به رشته تحریر در آورد. بدیهی است که در این رساله ناچار باید فقط به عمده ترین درس هائی از این تجربه اکتفا ورزید که مستقیماً به وظانفی مربوط می شود که پرولتاریا به هنگام انقلاب نسبت به قدرت دولتی به عهده دارد. (در این جا نسخه خطی به پایان می رسد). هیئت تحریریه.

دوم این رساله را (که به «تجربه ی انقلاب های ۱۹۰۵ و ۱۹۱۷ روس» اختصاص دارد) شاید لازم آید برای مدت درازی به تعویق اندازیم؛ به کار بستن «تجربه ی انقلاب» مطبوع تر و سودمندتر از چیز نوشتن درباره ی آنست.

مؤلف

پتروگراد ۳۰ نوامبر ۱۹۱۷

در ماه های اوت و سپتامبر سال ۱۹۱۷ به رشته تحریر در آمد.
در سال ۱۹۱۸ به توسط اداره ی نشریات «ژیزن ای از نایه» به صورت کتاب جداگانه ای به چاپ رسید.

منبع: منتخب آثار لنین صفحه ۵۱۸

بازنویس: یاشار آذری

آدرس اینترنتی کتابخانه: <http://www.iwsn.org/nashr.htm>

آدرس پستی: BM IWSN, London WC1N ۳XX, UK

ایمیل: yasharazarri@yahoo.com

مسئول نشر کارگری سوسیالیستی: یاشار آذری

تاریخ بازنویسی: ۱۳۸۵